



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Forgivability of Theft in the Law of Reduction 2020 and its Legal Consequences

Masoud Ghorbani Kandsari¹, Mahdi Mohammadian Amiri^{2*},  Hamidreza Saifi Far³

Received:

06 Sep 2022

Revised:

10 Nov 2022

Accepted:

17 Nov 2022

Available Online:

22 Dec 2022

Keywords:

Theft, Forgivable Crime, Law on Reduction.

Abstract

Background and Aim: In Article 11 of the Law on Reduction 2020, the Iranian legislator has made it possible to forgive some crimes that were previously unforgivable in order to reduce the prison criminal population, to turn toward restorative justice policy and remove the burden of certain crimes from the shoulders of judicial courts and to reduce the entry of criminal cases..

Materials and Methods: This is a descriptive study.

Ethical Considerations: All ethical principles governing research have been observed in the presentation of this article.

Findings and Conclusion: According to articles 656, 657, 661 and 665 of the Ta'zirat Law, if the value of property is not more than two hundred million Rials, they are among the crimes that can be forgiven under Article 104 of the Ta'zirat Law. That is, to commit a crime up to a certain amount of money is forgivable and beyond that amount is unforgivable. In fact, this action is in conflict with all criteria and policies of separating the forgivable crimes and is also completely non-legal and non-judicial and is more of a social approach. With this legislative action, the crime of theft, which is one of the most obvious crimes against public order and security, has been considered forgivable; that is, as long as the plaintiff does not complain, the prosecutor does not have the right to pursue the defendant, and as a result, it causes the robbers to be rude and subsequently we see an increase in petty theft, which destroys public order and security.

1 PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.*

(Corresponding Author) Email: mrmyaali@gmail.com Phone: +989111145624

3 M.A Student, Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran.

Please Cite This Article As: Ghorbani Kandsari, M; Mohammadian Amiri, M & Saifi Far, HR (2022). "Forgivability of Theft in the Law of Reduction 2020 and its Legal Consequences". *Interdisciplinary Legal Research*, 3(4): 63-68.



مقاله پژوهشی
(صفحات ۶۳-۶۸)

قابل گذشت شدن سرقت در قانون کاهش ۱۳۹۹ و تبعات حقوقی آن

مسعود قربانی کندسری^۱، مهدی محمدیان امیری^۲، حمیدرضا صیفی‌فر^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mrmyaali@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۵ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: قانونگذار ایران در ماده ۱۱ قانون کاهش ۱۳۹۹ برای دستیابی به اهدافی چون کاهش جمعیت کیفری زندان، متمایل شدن به سمت سیاست عدالت ترمیمی با دادن این امتیاز به شاکی که بتواند گذشت کند؛ برداشتن بار رسیدگی به برخی جرایم از دوش محاکم قضایی و کاهش حجم پرونده‌های کیفری، برخی جرایم که تا قبل از آن، غیرقابل گذشت بودند را قابل گذشت نموده است.

مواد و روش‌ها: روش مطالعه و گردآوری اطلاعات و یافته‌های پژوهش، توصیفی است.

ملاحظات اخلاقی: کلیه اصول اخلاقی حاکم در پژوهش، در تقریر این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: طبق مواد ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۶۱ و ۶۶۵ قانون تعزیرات اگر ارزش مال بیش از دویست میلیون ریال نباشد در شمار جرایم قابل گذشت ذیل ماده ۱۰۴ قانون تعزیرات قرار گرفتند. یعنی ارتکاب یک جرم را تا میزان مبلغ خاصی قابل گذشت و از آن میزان به بالا غیر قابل گذشت اعلام نمود. این اقدام درواقع با تمام ملاک‌ها و سیاست‌های تفکیک جرایم قابل گذشت از غیرقابل گذشت تعارض دارد و همچنین این اقدام کاملاً غیرحقوقی و غیرقضایی می‌باشد و بیشتر رویکردی اجتماعی می‌باشد. با این اقدام قانونگذار، جرم سرقت که از بارزترین جرایم علیه نظم و امنیت عمومی می‌باشد، قابل گذشت دانسته شده است؛ یعنی تا زمانی که شاکی شکایت نکند، دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم حق شروع به تعقیب متهم را ندارد و درنتیجه باعث جری شدن سارقین شده و در پی آن شاهد افزایش سرقت‌های خرد می‌باشیم که خود، سبب از بین رفتن نظم و امنیت عمومی می‌شود.

کلمات کلیدی: سرقت، جرم قابل گذشت، قانون کاهش.

مقدمه

۱- بیان موضوع

یکی از مسائل پیچیده حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری، مسأله تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیرقابل گذشت است. این مسأله در مرحله قانونگذاری نمود بیشتری دارد؛ به این علت که یا قانونگذار مجبور است که ضابطه عام به قاضی دهد تا قاضی در زمان رسیدگی بر طبق این ضابطه جرم قابل گذشت را تشخیص دهد و یا با روش حصری تمام جرایم قابل گذشت را تعیین کند. قانونگذار برای تعیین قابل گذشت یا غیرقابل گذشت دانستن جرایم، ملاک‌های خاص را مدنظر می‌گیرد که این ملاک‌ها ناشی از سیاست‌های حاکم بر این زمینه است.

نظریه قرارداد اجتماعی و مقدم بودن نظم و امنیت عمومی بر مصلحت افراد، به‌منظور توجیه مجازات مجرمان توسط دولت اعتبار زیادی در بین مکاتب کیفری پیدا کرده است و همچنین عاملی برای توجیه جنبه عمومی جرم نیز به‌شمار می‌رود و به شکلی که برای هر جرمی یک جنبه عمومی نیز درنظر گرفته می‌شود هرچند که این جرم آسیب و ضرری به جامعه نرساند. البته این دیدگاه، خواست جامعه را به اراده افراد مقدم می‌دارد و حتی حریم خصوصی افراد را نیز کنترل می‌کند.

مدتی است که حقوق بشر و آزادی اراده افراد مورد توجه قانونگذارها قرار گرفته است و برای خواست و اراده اشخاص احترام می‌گذارند. یکی از اثرات این دیدگاه، جرم‌زدایی برخی جرایم مذهبی و شخصی مانند اعلام عقیده‌های ضددینی و روابط آزاد جنسی است؛ این رفتارها در بیشتر کشورها در قوانین گذشته جرم بوده ولی در سیاست جنایی جدید، جزو افعال مباح قرار گرفته‌اند (زراعت، ۱۳۸۴: ۲۵). اثر دیگر این دیدگاه این است که دولت کاسه داغ‌تر از آتش نباشد؛ در نتیجه جرم‌هایی که ضرر آنها متوجه افراد است خصوصی و قابل گذشت تلقی شده‌اند.

قانونگذار ایران در حال حاضر سیاست‌های مختلفی را به‌کار می‌گیرد تا بار رسیدگی به جرم از دوش مقام قضایی برداشته شود؛ مانند سیستم موقعیت داشتن تعقیب و توافق با مقامات اجرایی و اداری، توسل به میانجیگری و همچنین گذشت

شاکی و اثر آن در موقوفی تعقیب. همچنین از دیگر سیاست‌هایی که باعث افزایش شمار جرایم قابل گذشت شده است، سیاست عدالت ترمیمی است که در راستای جبران خسارت بزه‌دیده و جلوگیری از برچسب مجرمیت خوردن به متهم است.

قانونگذار ایران به‌منظور پیشبرد این سیاست‌ها در نظام حقوق کیفری خود در یک اقدام کاملاً اشتباه جرم سرقت که درواقع از مهمترین جرایم مرتبط با نظم و امنیت عمومی جامعه است را قابل گذشت اعلام کرده است.

در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و میدانی به این سؤالات پاسخ داده می‌شود:

– آیا این اقدام قانونگذار به سود جامعه است یا خیر؟

– آیا اگر سرقت زیر ۲۰ میلیون تومان باشد و شاکی وجود نداشته باشد سارق باید آزاد شود یا اینکه می‌توان از لحاظ جنبه عمومی وی را مجازات کرد؟

– هدف قانون‌گذار از این اقدام چیست؟

– در جرایمی که با شرایط خاص قابل گذشت محسوب می‌شوند؛ اگر تحقق شرایط برای مقام قضایی محرز نباشد، مثلاً سرقت زیر ۲۰ میلیون مواد ۶۵۶، ۶۵۶، ۲۶۱، ۶۶۵ اگر در سابقه‌دار بودن متهم تردید شود، چنانچه شاکی هنوز طرح شکایت نکرده باشد آیا شروع به تعقیب توسط مقام قضایی مجاز است؟

به‌نظر می‌رسد که این اقدام قانونگذار کاملاً به ضرر جامعه و نظم عمومی است و همچنین فرض بر آن است که اگر سرقت زیر ۲۰ میلیون تومان باشد و شاکی وجود نداشته باشد حتی بدون سابقه کیفری متهم، باز هم باید وی را مجازات نمود و به‌نظر که هدف قانونگذار کاهش جمعیت کیفری زندان و متمایل شدن به سمت عدالت ترمیمی با دادن این امتیاز به شاکی است که بتواند گذشت کند. فرض دیگر آن است که با وجود این که اصل به غیرقابل گذشت بودن جرایم است اما در این مورد خاص، مقام قضایی مجاز به رسیدگی نیست.

۲- روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است.

بحث و نظر

۱- تا قبل از تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ قانونگذار در ماده ۱۰۴ ق.م.ا که به احصا جرایم قابل‌گذشت مبادرت کرده بود، ذکری از جرم سرقت به‌عنوان جرم قابل‌گذشت به میان نیاورده و در نتیجه، تعقیب مرتکب جرم راساً از سوی دادستان امکان‌پذیر بود. به‌علاوه، گذشت متضرر از جرم نیز مانع تعقیب کیفری و موقوفی مجازات نمی‌شد؛ اما با تصویب قانون کاهش، در چرخشی آشکار، جرم سرقت تا ۲۰ میلیون تومان قابل‌گذشت اعلام شد. این قانون با هدف کاهش مجازات حبس تعزیری و در نتیجه، کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها به تصویب رسید. یکی از تدابیر این کاهش قابل‌گذشت اعلام کردن جرایم دانسته شد که تا قبل از آن غیرقابل‌گذشت بودند و صراحتاً ماده ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۱ قانون مجازات اسلامی به لیست جرایم قابل‌گذشت اضافه شد.

۲- در جرایمی که با شرایط خاص، قابل‌گذشت محسوب می‌شوند؛ اگر تحقق شرایط برای مقام قضایی محرز نباشد، مثلاً در جرم سرقت موضوع مواد ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۶۱، ۶۶۵ اگر در سابقه‌دار بودن متهم تردید شود، در صورتی که شاکی هنوز شکایت خود را مطرح نکرده باشد، آیا شروع تعقیب توسط مقام قضایی مجاز است؟

دو دیدگاه در این باره قابل ارائه است:

دیدگاه اول اینکه طبق ماده ۱۰۳ ق.م.ا که مقرر می‌دارد: «چنانچه قابل‌گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، غیرقابل‌گذشت محسوب می‌شود مگر اینکه از حق‌الناس بوده و شرعاً قابل‌گذشت باشد.» اصل بر غیرقابل‌گذشت بودن جرایم است مگر اینکه قابل‌گذشت بودن آن توسط قانونگذار بیان و توسط مقام قضایی احراز شود؛ در نتیجه، در جرم‌هایی مثل کلاهبرداری و سرقت نیز اصل بر غیر قابل‌گذشت بودن است و لذا چنانچه پرونده با هر کدام از جهات شروع به تعقیب آغاز شود، مقام قضایی مکلف به تعقیب است و در عین حال موظف به تحقیق و احراز شرایط نیز می‌باشد. در صورتی که شرایط قابل‌گذشت بودن جرم توسط مقام قضایی احراز شد، احکام جرایم قابل‌گذشت از جمله لزوم شکایت شاکی جاری می‌شود

و در غیر اینصورت جرم، غیرقابل‌گذشت محسوب و مقام قضایی مکلف به ادامه تعقیب است (قربانی، ۱۳۸۶: ۵۴).

دیدگاه دوم معتقد است که با تصویب قانون کاهش حبس تعزیری و به موجب ماده ۱۰۴ اصلاحی قانون مجازات اسلامی، تقسیم دوگانه جرایم به قابل‌گذشت و غیرقابل‌گذشت تغییر کرده و به تقسیم سه‌گانه جرایم قابل‌گذشت مطلق، جرایم قابل‌گذشت مشروط و جرایم غیرقابل‌گذشت تبدیل شده است. در جرایم قابل‌گذشت مشروط مانند کلاهبرداری یا سرقت موضوع ماده ۶۵۶ قانون تعزیرات که مشروط به این است که متهم فاقد سابقه و ارزش مال برده شده بیش از دویست میلیون ریال نباشد، در صورتی که شرایط مورد تردید باشد، اصل غیرقابل‌گذشت بودن جرم جاری نمی‌شود؛ بلکه در صورتی شرایط محرز نباشد شروع به تعقیب مجاز نخواهد بود (ساکي، ۱۴۰۱: ۳۴).

طرفداران این نظریه بر این باورند که جرایم غیرقابل‌گذشت به دو دسته تقسیم می‌شوند: جرایمی که با اجرای اصل مقرر در ماده ۱۰۳ ق.م.ا غیرقابل‌گذشت بودن آن احراز می‌شود و جرم‌هایی که با وجود دلیل، غیر قابل‌گذشت بودن آن احراز می‌شود مانند سرقت که در صورتی که دلیل بر تحقق نصاب (اینکه ارزش مال بوده شده بیش از ۲۰ میلیون تومان باشد) وجود داشته باشد، غیرقابل‌گذشت محسوب می‌شود. در دسته دوم این جرم‌ها در صورتی که دلیلی بر غیرقابل‌گذشت بودن احراز نشود، نمی‌توان آن جرم را غیرقابل‌گذشت دانست.

بنابراین، طبق این نظر، اگر در وقت کشیک متهم سرقت توسط مرجع انتظامی دستگیر شود و شاکی هنوز طرح شکایت نکرده باشد، نمی‌توان با اصل غیرقابل‌گذشت بودن جرم، تعقیب را شروع کرد (عابدی، ۱۳۹۹: ۵۵). ایراداتی وارد بر این دیدگاه است؛ از جمله این که در ماده ۱۱ قانون کاهش در بزه سرقت موضوع مواد ۶۵۶ و ۶۵۷ ق.م.ا با توجه به قابل‌گذشت بودن آن با فرض وجود شرایط مقرر، در عمل با این اشکال مواجه هستیم که در صورت دستگیری متهم در محل سرقت، در صورت نبود شاکی خصوصی، موضوع قابلیت تعقیب ندارد. ضابط در بزه سرقت مشهود چگونه ارزش مال مسروقه را محاسبه کند تا با احراز این موضوع جرم (تعزیرات) بیش از ۲۰ میلیون تومان است تا بتواند به‌عنوان جرم غیرقابل‌گذشت به وظیفه خویش عمل نماید.

مواردی که قابل گذشت مشروط است و شاکی وجود دارد، اما گذشت خود را اعلام می‌کند، مقام قضایی می‌تواند قرار موقوفی تعقیب صادر نماید نه اینکه صرفاً به این علت که شاکی وجود ندارد یا اینکه شکایت نکرده است، دیگر امکان بر شروع به تعقیب نباشد بلکه مقام قضایی مکلف است از لحاظ جنبه عمومی، تعقیب را شروع و ادامه دهد. دیدگاه این گروه از حقوقدانان این است که جرم سرقت در هر صورت از جرایمی است که محل نظم و امنیت عمومی است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹: ۲۶۰). حتی خود متن ماده ۱۱ قانون کاهش نیز گویای این نظر است. واقعاً نمی‌توان یک جرم را تا یک میزان قابل گذشت دانست و از آن مبلغ بیشتر غیرقابل گذشت اعلام کرد. این اقدام کاملاً غیرمنطقی است و درواقع، با مبانی و ملاک‌های قابل گذشت یا غیرقابل گذشت اعلام کردن جرایم مخالف است. چطور انجام دادن یک جرم تا یک مبلغی از لحاظ جنبه عمومی و نظم و امنیت عمومی قابل پیگیری و رسیدگی نیست اما از یک مبلغی بیشتر محل نظم و امنیت عمومی است و می‌توان آن را پیگیری کرد. در نتیجه در هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف اینچنین تقسیم‌بندی مشاهده نمی‌شود.

۵- همانطور که گفته شد به عقیده گروهی از حقوقدانان، درمورد جرم سرقت چون در هر صورت مرتبط با نظم و امنیت جامعه است، توسط دادستان قابل رسیدگی است و دادستان باید رسیدگی کند نه اینکه صرفاً چون شاکی وجود ندارد، نتواند رسیدگی را شروع کند و آنها عقیده دارند که منظور قانونگذار از این اقدام این بوده است که به‌عنوان یک امتیاز برای شاکی در راستای سیاست عدالت ترمیمی و یک فرصت برای مجرم باشد که با جبران خسارت شاکی و گرفتن رضایت وی از این نهاد ارفاقی استفاده نماید (مسعودی‌مقام، ۱۴۰۱: ۱۲). به عبارت دیگر، در صورتی که شاکی وجود داشته باشد و گذشت خود را اعلام کند، می‌توان مانند دیگر جرایم قابل گذشت درمورد سرقت زیر ۲۰ میلیون تومان نیز قرار موقوفی تعقیب را صادر نمود. این نظریه، نظریه‌ای منطقی و موافق با نظم جامعه است اما با این ایراد مواجهه است که قانون کاهش با صراحت جرم سرقت تا ۲۰ میلیون تومان را قابل گذشت اعلام کرده است. از طرف دیگر، طبق ماده ۱۲

در نتیجه در صورتی که بخواهیم بر طبق دیدگاه گروه دوم پیش برویم با اینچنین مشکلاتی مواجه خواهیم شد از این رو پایه بر طبق همان اصل مذکور در ماده ۱۰۳ که اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرایم است مگر مواردی که در ماده ۱۰۴ ق.م.ا ذکر شده است و باتوجه به اینکه اصل بر غیر قابل گذشت بودن بزه سرقت است و صرفاً با وجود شرایطی که در قانون کاهش ذکر شده است، قابل گذشت اعلام گردیده است؛ پس در صورتی که شرایط موردنظر از جمله فقدان سابقه و اینکه ارزش مال بیش از ۲۰ میلیون تومان نباشد، احراز نگردد، همچنان باید این جرم را غیرقابل گذشت دانست؛ لذا ضابط دادگستری و در جرایم مشهود باید به وظایف قانونی خود مطابق ماده ۴۴ ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲ عمل نماید.

۳- البته طرفداران دیدگاه اول بر این باورند که اگر در وجود سابقه مؤثر تردید حاصل شود، اصل بر فقدان سابقه است. درباره ارزش مال نیز اگر رسیدن به حدنصاب مقرر جهت غیرقابل گذشت بودن جرم مورد تردید قرار گیرد و مقام قضایی نتواند ارزش مال را به دست بیاورد باید احکام و آثار جرم قابل گذشت را مترتب کرد. در جواب این نظریه باید گفت که باتوجه به اینکه اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم است، مقام قضایی باید تا روشن شدن قضیه به تحقیقات ادامه دهد حتی اگر نتوان این نظر را پذیرفت، می‌توان از فرصت ۲۴ ساعته تحت نظر بودن متهم، چنانچه جرم مشهود باشد، استفاده نمود و نسبت به تحقیق درباره شرایط و نیز اعلام به بزه‌دیده جهت طرح شکایت استفاده کرد.

۴- تفسیر دیگری که برخی از اساتید از ماده ۱۱ قانون کاهش به عمل آورده‌اند این است که برای خارج شدن از مشکلاتی از قبیل عدم اجازه مقام قضایی برای رسیدگی به جرم سرقت تا ۲۰ میلیون بدون شکایت شاکی که در نتیجه باعث تجری متهمین و به دنبال آن افزایش سرقت‌های خود می‌شود، منظور قانونگذار از اعلام قابل گذشت شدن جرم سرقت تا ۲۰ میلیون این بوده است که در صورتی که شاکی وجود داشته باشد و گذشت خود را اعلام کند، مقام قضایی بتواند قرار موقوفی تعقیب را صادر نماید. به عبارت دیگر، در

سهام نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- زراعت، عباس (۱۳۸۴). «ملاک تعیین جرایم قابل گذشت». *مجله حقوقی عدالت آرا*، ۱(۱): ۲۰-۴۴.

- ساکی، محمدرضا (۱۴۰۱). *بررسی علمی کاربردی جرم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه*.

- عابدی، احمدرضا (۱۳۹۹). *نگرش کاربردی بر قانون کاهش ۱۳۹۹*. تهران: کتاب طه.

- قربانی، فرج‌الله (۱۳۸۶). *مجموعه آرای وحدت رویه دیوان عالی (جزایی)*. چاپ پنجم، تهران: انتشارات فردوسی.

- مسعودی‌مقام، اسدالله (۱۴۰۱). *تقریرات جرایم اقتصادی*. کارآموزان قضایی.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۹). *جرایم علیه اموال*. تهران: نشر میزان.

قانون آیین دادرسی کیفری که بیان می‌دارد: «تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود» در نتیجه با این مبحث مواجه خواهیم شد که در جرایم قابل گذشت تا شاکی شکایت نکند، مقام قضایی نمی‌تواند رسیدگی را شروع کند. در کل باتوجه به متفاوت بودن تفسیرها از ماده ۱۱ قانون کاهش ۱۳۹۹ در عمل شاهد اختلاف رویه در برخورد با این مسأله در دادسراها و دادگاه‌ها هستیم.

نتیجه‌گیری

این اقدام قانونگذار که بر طبق ماده ۱۱ قانون کاهش مصوب ۱۳۹۹ سرقت تا ۲۰ میلیون تومان را قابل گذشت اعلام کرد، نگاهی کاملاً غیرحقوقی و غیرقضایی است بلکه نگاهی صرفاً اجتماعی است.

قانونگذار با این اقدام تمام فلسفه جرایم مربوط با نظم عمومی را زیر سؤال برده است. قانونگذار برای کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها با این اقدام غیرحقوقی خود باعث از بین رفتن نظم عمومی شده است. می‌توان راهکارهای دیگری را برای کاهش جمعیت کیفری زندان به کار گرفت نه اینکه سرقت که از جمله بارزترین جرایم علیه نظم عمومی است را قابل گذشت اعلام کرد. به نظر می‌رسد که قانونگذار باید اشتباه خود را بپذیرد و آن را اصلاح نماید.

در نتیجه می‌توان گفت باتوجه به تعارضی که در رویه قضایی و اختلاف نظری که بین حقوقدانان در مورد این که مقام قضایی در موردی که مبلغ مال کمتر از ۲۰ میلیون تومان است، در صورتی که شاکی وجود نداشته باشد، آیا می‌تواند رسیدگی را شروع کند یا خیر، این اختلاف نظر و اختلاف رویه وجود دارد. هیأت عمومی دیوان عالی کشور می‌تواند با صدور رأی وحدت رویه این تعارض و مشکل را حل نماید.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.